

انگاری جناب وزیر کامونیتی ما را هدف قرار داده است

هشت مورد جدید اخراج

بی‌تا، محبوبه، نسرین، مولود، محمد، فرزاد، مجید و پیام



این را هم در نظر داشته باشیم که حتی اگر موضوع پناهندگی را در شان چنین سرمایه‌گذاری ندانیم، نتیجه این تلاش و پشتکار مستحکم‌سازی پایه‌های جامعه‌ما برای حرکت‌های بعدی خواهد بود.

سپهر آزاد شد

باعث بسی خوشنودی می‌باشد که مصادف با روز زن، بانوی از کامونیتی ما پا به میدان مبارزه با بی‌عدالتی گذاشته و با اینکه هیچ‌گونه آشنائی قبلی با سپهر نداشته، حاضر شد که ضمانت او را به عهده بگیرد. این فرد که ترجیح داده است از او نامی برده نشود، در تظاهرات حمایتی از سپهر، با خاله او، روح انگیز نصیرزاده، آشنا و شیفته شخصیت والای او و فرزندانش گشته است. او آنها را همچو خانواده خود پنداشته و حاضر شده است بی‌ریا دست به این عمل خیرخواهانه بزند. خوشبختانه اداره مهاجرت، که با سه نفر دیگر که قبل از آن آمادگی خود را جهت ضمانت اعلام کرده بودند، مخالفت کرده بود، ضمانت این شخص را می‌پذیرد. در نتیجه بعد از 96 روز در بند بودن، در تاریخ سه‌شنبه 12 مارچ ساعت یک و نیم بعد از ظهر، سپهر از زندان آزاد میشود. این نوع افراد نه فقط باعث دلگرمی کل جامعه بوده بلکه باعث آن میشوند که فعالان اجتماعی با عزمی راسختر در این راه بشردوستانه قدم بردارند. این نوع همبستگی‌ها نوید آن را میدهند که در صورت تلاش‌های بیشتر و بدست آوردن موفقیت‌های چشم‌گیر تر، افراد بیشتری به جمع حامیان و فعالان پیوسته و باعث آن گردند که مسئولین حکومتی با موضوع پناهندگی به صورت جدی‌تر بر خورد کرده و تغییرات لازمه را در تصمیمات و رفتار خود بعمل بیاورند.

مهدی شمس از فعالان
www.NoDeportationstolran.org



سپهر آزاد شد

جلوگیری از بازگشت صد در صد افرادی که از آنها حمایت جمعی شده، و موفقیت تعدادی از آنان در گرفتن اجازه اقامت به صورت مهاجر، دلایل قاطع و واضحی می‌باشند که اولاً این حرکت صحیح بوده، و تقاضای قطع کلیه این بازگشت‌ها تا زمانی که حکومت ضد بشری جمهوری اسلامی پا برجاست غیر منطقی نمی‌باشد. در ثانی این خود دلیل بر آنست که تصمیمات اداره مهاجرت نسبت به اخراج این پناهندگیان اشتباه، غیر قانونی، غیر انسانی و مخالف با ضوابط حقوق بشر می‌باشد. از این رو این وظیفه شهروندی ما می‌باشد که با آن برخورد جدی و مبارزه کرده و در راه بهبود قوانین به خصوص آنهایی که به حقوق بشر مربوط می‌باشند پیشقدم باشیم.

انگاری جناب وزیر کامونیتی ما را هدف قرار داده است.

در دو هفته اخیر، شاهد آن بوده ایم که بر تعداد احکام اخراج پناهندگیان ایرانی به نحو قابل توجه ای افزوده شده است. اگر از تاریخ ژانویه سال گذشته تا همین چند هفته پیش فقط با شش مورد اخراجی برخورد داشته ایم، هم اکنون به غیر از سپهر، شش مورد دیگر پرونده هایشان در حال بررسی و اجرا می‌باشد. پیام، که به تازگی خود را به کانادا رسانده، مستقیماً از فرودگاه به زندان منتقل شده و هم اکنون در آنجا به سر میبرد. بی‌تا و مجید در اقامتگاه مهاجرت در بند بوده و منتظر آن می‌باشند که تا زمان بررسی مجدد پرونده خود، اشخاص خیری داوطلب شده و با ضمانت خود آنان را از زندان آزاد نمایند. نسرین با ضمانت آزاد بوده و همچو فرزاد در انتظار بررسی مجدد پرونده خود می‌باشند و بالاخر، قهرمانی که حکم اخراجش برای نیمه‌های ماه آپریل صادر و بلیط بازگشت هم به او داده شده است. اینطور بنظر میرسد که جناب وزیر مهاجرت، جیسن کنی، کامونیتی ما را مورد هدف قرار داده است و به هیچ عنوان به اینکه احتمال خطری برای پناهندگیان در صورت اخراج به ایران وجود دارد اعتقاد نداشته، و تا زمانی که یکی از این پناهندگیان جان خود را از دست ندهد ایشان تغییری در رویه خود نخواهد داد. و یا اینکه می‌خواهد آنچنان ما را زیر فشار بگذارد، که از حمایت خود صرف نظر کرده و پناهندگیان را به حال خود رها کنیم.

از برای همین عاقلانه‌تر خواهد بود که به حرکت خود سر و سامانی بدهیم، و بصورت متشکل‌تر و سازمان‌یافته تری حرکت کنیم. وگرنه قدرت و نیروی آنرا نخواهیم داشت تا از کلیه این افراد حمایت کرده و مبارزه خود را به هدف نهائی برسانیم. فراموش نکنیم که اگر این جریان هم مانند تجربه بانک نیمه‌کاره رها گردد، هیچ‌امیدی به حرکت‌های جمعی بعدی جامعه باقی نخواهد ماند. شکی نیست که سکوت مردم، خواست تمام حکومتها بوده، حتی اگر آن حکومت، همچو قدرت حاکمه در کانادا، مبتنی بر دموکراسی باشد.

اعتراض نیمه‌کاره به بسته شدن حسابهای بانکی
اگر کامونیتی ما با مسئله بسته شدن نا عادلانه حسابهای بانکی تعدادی از افراد جامعه‌ما در سال گذشته توسط بانک TD به نحو دیگری برخورد کرده بود، شاید مسئولین حکومتی در باره بازگشت اجباری پناهندگیان به ایران با دقت و تعمق بیشتری عمل می‌کردند. قطع جریان اعتراض جمعی به عملکرد تبعیضی و غیر قانونی بانک در همان اوائل حرکت، خوشنودی از چند ملاقات فرمایشی با روسا و مسئولین بانک، و دریافت پاره‌ای توضیحات از سر بازکنی و تلقی آنها به عنوان پیروزی، در مجموع جز دلسرد و نا امید کردن جامعه به قدرت و حرکت جمعی، نمیتواند نتیجه دیگری داشته باشد. از طرف دیگر باعث می‌گردد که مسئولین شناخت غلطی از جامعه‌ما پیدا کرده و در زمینه مبارزات اجتماعی ما را متزلزل و ضعیف بپندارند. در بسیاری از این گونه مبارزات اجتماعی نکاتی وجود دارند که بعضی اوقات از هدف اصلی مهمتر بوده و اگر به آنها توجه نشود، میتوانند ضربات غیر قابل جبرانی به جامعه وارد کنند. چه بسا بهتر باشد که اصلاً حرکتی را آغاز ننمود تا اینکه آنرا نیمه‌کاره رها کرد.



نحوه عمل بانک به طور آشکار یک حرکت غلط، تبعیضی و غیر قانونی می‌نمود. از همین رو کل جامعه ایرانی و کانادائی به محکوم کردن آن و حمایت از آنهایی پرداخت که حسابهایشان بسته و حقشان ضایع شده بود. این بهترین فرصتی بود تا بتوانیم جامعه خود را متحدتر ساخته، به دخالت در امور اجتماعی ترغیب، و به دست اندرکاران این پیام را بدهیم، که ما همگی پشتیبان یکایک افراد جامعه خود بوده و از حمایت یکدیگر کوتاهی نخواهیم کرد. و با نارضایتی‌هایی که اکثر افراد به رفتار بانک‌ها دارند، شروع حرکت اعتراضی ما میتواندست بسهولت در سطوح مختلف کشور بسط پیدا کرده و نتایج بسیار مفید، نه فقط برای آنهایی که حسابهایشان بسته شده بود، بلکه برای کل کشور به ارمغان داشته باشد. از همه مهمتر میتواندست اعتباری برای کامونیتی ما بوجود آورد، تا که در تصمیمات آینده مسئولین کشور، در موارد و زمان‌هایی که آن تصمیمات مستقیم به ما مربوط می‌گردند ما را در آنها شرکت داده و یا از ما نظر خواهی کنند. بافت بخصوص کانادا که متشکل از مهاجرینی می‌باشد که از اقصی نقاط جهان بدور هم جمع شده اند این امر را ایجاب میکند.

موفقیت در حمایت از پناهندگیان و حرکت جمعی

خوشبختانه در مورد حمایت از پناهندگیان و مخالفت با مجبور کردن آنها به بازگشت به ایران در شرایط خاص و غیر انسانی آن، تا کنون به عکس عمل شده است.

با اینکه به مراتب تعداد کمتری از افراد به طور مستقیم در گیر این مسئله می‌باشند، و از نظر ذهنی این موضوع به دور از توجه و علاقه کل جامعه کانادائی می‌باشد، می‌بینیم که این حرکت بیش از یکسال ادامه پیدا کرده است. و با جرات میتوان گفت، که نتایج آن صد در صد مثبت بوده است. می‌بینیم که هر روز حمایت جمعی بیشتر شده و امروزه این مسئله به عنوان یکی از مسائل جدی جامعه تلقی شده و اکثریت افراد خود را مسئول حمایت از پناهندگیان میدانند.